

## موضع والدین در الزام دختران به حجاب

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال<sup>۱</sup>: من از بیش از یک منبع و همچنین از شما این عقیده را شنیده ام که اگر دخترم - مثلاً - حجاب نداشت، او را مجبور به این کار نکنم ... من تا حدودی به این مطلب قانع شدم ... زیرا اگر او را مجبور می کردم کارش برای خدا نبود و ممکن است بعداً آن را رها کند وقتی از دست من رهایی یابد ... سؤال: آیا این نظر منشأ فقهی دارد؟ ممکن است با مدرک برایم توضیح بدید لطفاً؟

پاسخ: فقها بر این باورند که امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در خانواده وجوب بیشتری دارد و از آنجایی که امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است، می توان از مرتبه سوم مراتب آن که استفاده از زور است برای تحمیل معروف و بازدارندگی از منکر استفاده کرد. قدرمتین از این مرتبه، به دلیل ولایتی است که پدر بر فرزندان خود دارد جانب خانوادگی است و بر این اساس اگر دختر به سن بلوغ رسید پدر و مادر باید او را با گفتار و عمل امر به معروف و نهی از منکر کنند. اگر همه وسایل کارساز نشد، باید او را حتی با ضرب و شتم، وادار کرد، مشروط بر اینکه این اجبار اثر نامطلوبی بیشتر از ترک امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشد.

---

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع ۲: سوال ۳۱۱.

خواستگاه فقها در این زمینه، متون قرآنی و حدیثی است که از آن ها ثبوت مرتبه ید و تغییر منکر از راه اجبار و ید را می فهمند در صورتی که انسان قادر به تغییر آن با قلب و زبان نباشد، درک می کنند و این روایات معروف و متعدد اند.

خصوصیتی که در مورد دایره خانوادگی مطرح شده از این آیه برخاسته است که خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (التحریم: ۶) زیرا این آیه شریفه به خاطر اطلاق، خواستار پیشگیری همه جانبه و استفاده از همه وسایل موجود برای بازداري خانواده از جهنم است.

اما آنچه من شخصاً در تحقیقات حقیرانه خود در امر به معروف و نهی از منکر به آن رسیده ام، نفی وجود مرتبه ای به نام مرتبه ید - به معنای خشونت - در امر به معروف و نهی از منکر است آنچه که ثابت است مرحله زبان و قلب است. اما مرتبه ید به معنای امر به معروف و نهی با هر وسیله ای است که از نظر شرع فی نفسه جایز است هر چند لفظی نباشد. با هدف نیل به معروف و رفع یا دفع منکر در خارج است بنابراین هر وسیله ای که به خودی خود حرام است استفاده از آن در امر به معروف و نهی از منکر، جایز نیست مانند آزار دیگران، مصادره مالی و شکستن یا نابودی اموال ایشان و همینطور سلب آزادی آن ها و مواردی از این است، تا زمانی که عنوانی ثانوی یا دلیلی برای اثبات ولایت بر جان و مال ایشان وجود نداشته باشد. (ر.ک کتاب متواضع بنده: فقه الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر: ۱۱۹ - ۱۳۰ - ۴۷۰ - ۵۱۶).

این نظر مخالف مشهور فقیهان اسلام است، ولی برخی از مراجع و فقیهان متأخر را دیدم که بدان رفته اند، یعنی: شیخ جواد تبریزی، سید محمود هاشمی، شیخ یوسف صانعی و سید تقی قمی.

بر این اساس، اگر این موضوع را در خانواده تطبیق دهیم، به این معناست که اگر پدر نتواند دخترش را به داشتن حجاب راضی کند، می تواند از هر وسیله ای که پیشاپیش جزو حقوق و اختیارات او محسوب می شود و در عین حال جایز است، استفاده کند. به عنوان مثال، ممکن است پس از این که پسر یا دختر به بلوغ رسیده اند، اعطای مالی را محدود کند، مشوق ها را

لغو کند یا محدودیت‌هایی را اعمال کند، یا هر وسیله دیگری غیر از وسایلی که در اصل حرام است، مشروط بر اینکه این وسایل دارای احتمال تأثیر باشند.

در مورد آنچه شما اشاره کردید که این روش موجب می‌شود که او این عمل را برای غیر خداوند متعال انجام دهد، این اشکال بر فقها وارد نیست. چرا که فقیه حجاب را واجب شرعی نمی‌بیند تا آن که لازم باشد زن به قصد تقرب به خداوند متعال این عمل را انجام دهد. پس سخن شما تنها در اموری مانند نماز و حج و روزه صحیح است نه در اموری که قصد قربت در آن‌ها شرط نیست و در شریعت از عبادات محسوب نمی‌شود، اگر پسران را مجبور به ترک مشروبات الکلی کنید درحالی که وی به این کار قانع نشده باشد. در این صورت مطلوب شرعی که ترک مشروبات الکلی است محقق شده است. چون در ترک شرب خمر شرط نیست که این ترک به قصد تقرب به خدا یا اطاعت از اوامر خداوند سبحان و یا غیر آن باشد.

همچنین فقیه اهمیتی نمی‌دهد که دختر به حجاب باقی بماند، بنابراین نمی‌توان او را از این جهت مورد نقد قرار داد که ممکن است این دختر بعد از رهایی از دست پدر و مادر، حجاب را ترک کند، دلیل این امر این است که فقیه ترک حجاب را گناهان متعدد می‌داند که دختر هر روز مرتکب آن می‌شود، اگر بتوانیم این گناه مکرر یا گناهان ادامه دار را برای مدت معینی کاهش دهیم، بهتر از ترک کامل آن است، زیرا آنچه تمام آن را نمی‌توان به دست آورد نباید.. را ترک کرد. بنابراین فقیه در اجبار نه قانع شدن و نه التزام طرف مقابل به اطاعت در فرض آزادی از طرفی که وی را مجبور کرده است را شرط نمی‌داند بلکه از نگاه ایشان آنچه مهم است دستیابی به زمان هرچند اندکی برای جلوگیری از وقوع گناه است، مانند یک ماه، دو ماه یا دو سال.

بله، آنچه مورد توجه فقیه است این است که این روش نباید به گونه‌ای باشد که تأثیر منفی بیشتری بر جای بگذارد، مثلاً موجب شود که وی در واکنش به این اجبار شرعی نماز را از اساس کنار بگذارد یا موجب شود که این دختر کافر شده یا اسلام را کنار بگذارد و مواردی از این دست. بنابراین همانطور که آشکار است، بین این دو مورد اختلاف است.